

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ناصر اصغری

۰۳.۰۷.۱۰

"گروه بیست" و حکایت دنیای امروز

ماه جون ۲۰۱۰ بعنوان يك ماه تاریخی در تاریخ مبارزه طبقاتی در کانادا و مشخصا شهر تورنتو به ثبت خواهد رسید. وقایع این ماه اما فراتر از يك کشور خاص بودند. هم کانادا و هم شهر تورنتو اتفاقات مهمی از منظر اعتراضات توده ئی در تاریخ خود دارند؛ اما اعتراضات روزهای ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸ و ۲۹ جون ۲۰۱۰ نشانه از بروز دوره دیگری از تاریخی متفاوت است. ۲۶ جون پایان دوره ای است و ۲۸ آن هم آغاز دوره ای دیگر.

آماده به سوی اجلاس ریاضت کشی

اجلاس سالانه کشورهای صنعتی گروه های ۸ و ۲۰ (G8 & G20) امسال در شهر تورنتو کانادا برگزار شدند. از ماهها قبل این شهر برای این موضوع آماده می شد. قریب به اتفاق ساکنین این شهر مثل نویسنده این سطور، قبل از اینکه خبر برگزاری این اجلاس را بشنویم، خبر آماده شدن پولیس از يك طرف و معترضان به این اجلاس از طرف دیگر برای جنگی تن به تن را شنیدیم. هرچه به هفته آخر این ماه نزدیکتر می شدیم، فضای شهر میلیتاریزتر میشد. با چنین میلیتاریزمی البته بحثهای سیاسی، و شك و تردید درباره دلیل این میلیتاریزم و اهداف پشت پرده آنها نیز آغاز می گردد. هیچ کسی، نه مدیا، نه مردم، و نه حتی مقامات دولتی از موضوعات احتمالی مورد بحث در این اجلاس و "اهمیت" آنها چیزی نمی گفتند. هر آنچه که بود بحث درباره بی ربطی آنها به زندگی مردم و دور گرفتن دوره دیگری از اعتراضات بود. پولیس شهر تورنتو، به ادعای رقمی که خودشان ارائه داده اند، ۱،۲ میلیارد دلار (۱۲۰۰ میلیون دلار) فقط خرج به اصطلاح امنیت شرکت کنندگان و مهمانان این اجلاس کرده بود. این رقم هزینه اقدامات پنهانی را شامل نمیشود. هزینه مسدود کردن نصف شهر ۵ میلیونی و اینکه در این مدت بزرگترین شهر کانادا و یکی از بزرگترین شهرهای آمریکای شمالی، حالت يك شهر جنگ زده به خود گرفته بود را هنوز کسی جانی اعلام نکرده است. سال گذشته این اجلاس در شهر پینزبورگ آمریکا برگزار شد و هزینه اقدامات انجام شده برای تورنتو در آنجا ۱۸ میلیون دلار اعلام شد. بزرگترین رقم اعلام شده در این خصوص در تاریخ این اجلاس ۱۰۰ میلیون دلار اعلام شده است. با این ۱،۲ میلیارد دلار اما چکار کردند؟! در چشم مردم قدرت سرکوب خود را مانور دادند. جامعه به درست بر ولخرجی از کیسه خلیفه ابراز تنفر کرد و مرتب به مقامات دولت این را یادآوری

کرد که تا به حال يك چنین شل کردن سر کیسه را به هیچ منظوری شاهد نبوده اند. هر دو نفری که به هر دلیلی انجمن و جمع و نهادی درست کرده اند، خود را در مقابل این "سخاوتمندی" دولت فدرال دید. در شهری که در چند سال گذشته چندین نهاد علیه فقر و بیکاری و ریاضت اقتصادی و سیاسی تشکیل شده است، چنین هزینه کردنی برای سرکوب از انظار دور نمی ماند.

پایان يك دوره

روز ۲۶ جون در کانادا پایان يك دوره بود. نگرانی **دیوید میلر** و بسیاری از کسان مثل ایشان بیجا نبود که خود را ناگهان با جمعیتی روبرو می دیدند که نه تنها در خیابانها این وضعیت را دیگر قابل تحمل نمی دیدند و برای جنگی تن به تن با پولیس آماده شده بودند، بلکه آنچه که توسط مدیا از افکار عمومی هم مخابره شد، برایشان خوشایند نبود. گرچه پولیس و مدیای طرفدار ایشان سعی کردند بر "خشن" بودن اعتراضات و به آتش کشیده شدن چند ماشین پولیس و شکستن شیشه بانکها و دیگر مظاهر سرکوب تمرکز کنند، مردم خشم مردمی را دیدند که از وضعیت زندگی و ریاضتی که بر آنها تحمیل شده است جانشان به لبشان رسیده است. در عرض چند ساعت تغییری واضح در شیفت کردن از مقابله با اعتراض به همدردی با اعتراضات در رادیو و تلویزیونها مشاهده شد. مردم که به صفحه تلویزیونهاشان چسبیده بودند، ناگهان صحنه های دل خنک کننده حمله به بانکها و دیگر مظاهر سرمایه داری را دیدند. حمله پولیس به هر جنبنده ای و دستگیری بیش از ۹۰۰ نفر و از جمله تعداد وسیعی از خبرنگاران، دیگر شك و تردیدی برای کسی باقی نگذاشت که عناوینی چون دمکراسی و حق و حقوق مدنی و آزادی بیان و آزادی اعتراض و غیره، فقط به درد ویتربنهای پارلمانی و عکس گرفتن با این عناوین می خورند. در عرض فقط چند ساعت، و این اغراق نیست که می گویم چند ساعت، شیفت عجیبی در افکار عمومی مشاهده شد. حتی کسانی که یکی دو ساعت پیش اراجیف شهردار و رئیس پولیس و رئیس کنگره کار کانادا را قورت داده بودند که "معترضان کانادا را به کشوری از نوع "جهان سومی" تبدیل کرده اند" اکنون به این فکر می کردند که هزینه اعتراض در این کشور چقدر بالا رفته است؟ که حد و حدود قدری پولیس و دولتش چیست؟

دوره رخوت سیاسی و دست روی دست گذاشتن به پایان رسیده است و این مختص کانادا نیست. در عرض چند روز گذشته اعتراضات عظیمی در دستور جامعه در اروپا و مشخصا در ایتالیا، اسپانیا، یونان و بسیاری از جاهای دیگری قرار گرفته است.

این حکایت دنیای امروز ماست

شهردار شهر تورنتو اعتراضات روز ۲۶ جون را محکوم کرد و گفت که "این تورنتوی ما نیست. تورنتوی ما گردنگذار به قانون و حاکمیت قانون هستند." و "شرکت کنندگان در این اعتراض جنایتکارانی هستند که با آنها به شدت برخورد خواهد شد." این شهردار که نیروهای مترقی از جمله فعالان اتحادیه های کارگری تا چندی پیش از ایشان حمایت می کردند، متوجه این موضوع نیست که در عرض ده پانزده سال گذشته وضع معیشت مردم "تورنتوی ایشان" با شدتی باورنکردنی تنزل کرده است. قدرت خرید مردم عادی (۸۰ درصد) به حداقل نصف آن ده پانزده سال پیش رسیده است. اکنون هر رقم از اجناسی را که ۵ سال پیش يك دلار خرید و فروش می شد، امروزه به حداقل دو دلار رسیده است. دستمزد هیچ کارگر و کارمند جزئی در این ۵ سال ۱۰ درصد هم افزایش نیافته است. در این ۵ سال حداقل ۳۰ درصد مردم "تورنتوی ایشان" کارهای با درآمد و مزایای نسبتا بهتر و شرایط

کاری دوره نسبتاً غیربحرانی خود را از دست داده و به بازار کارهای با حداقل دستمزد و حداقل مزایا و شرایط کاری "جهان سومی" پیوسته اند. مردم به این شرایط اعتراض خواهند کرد و هیچ ربطی هم به تورنتویی و یا غیرتورنتویی بودن ندارد. مردم بیخود به مظاهر سرکوب و ثروت حمله نمی کنند. هیچکدام از آنچه را که مردم در این مدت به آن اعتراض کرده اند، از سر تحلیل نیست. اقداماتی است که مقامات رسمی اعلام کرده اند که ریاضت کشی را بر سر میز خود گذاشته اند. نخست وزیر کانادا در یکی از این نشستهای این دو اجلاس گفت که دولت ایشان در نظر دارد در عرض چند سال آینده کسری بودجه را به حداقل نصف برساند! و این را جز با زدن خدمات عمومی و معیشت مردم نمی تواند تأمین کند. مارک کارنی، رئیس بانک مرکزی کانادا روز ۱۶ جون در يك سخنرانی رسماً اعلام کرد که کانادا رهبری کشورهای غربی برای کنترل کردن این وضع را در دست خواهد گرفت. رسماً گفت که این عصر "عصر ریاضت" است و "عصر ریاضت" بدون دردمس پیش نخواهد رفت. این "عصر" اعتراض، و اعتراض تند و رادیکالی را هم به دنبال خواهد آورد. این حکایت عصر ماست.

بروید کیک تان را بخورید!

شبکه های تلویزیونی برنامه های عادی خود را در این مدت تعطیل کرده و به پوشش خبری اعتراضات پرداختند. یکی از شبکه های نسبتاً محافظه کار تورنتو برای اینکه "تعادل" را حفظ کند، دو خبرنگار ویژه برای پوشش اخبار به خیابانها فرستاد. کرگ کیلبرگر (Craig Kielburger) را شاید تعدادی از خوانندگان این مقاله به خاطر داشته باشند. وی زمانی که کودکی بیش نبود، در دوره ای که "اقبال مسیح" در اوایل دهه نود قرن گذشته در پاکستان به خاطر مقاومت در برابر زورگویان کشته شد، کمپینی را علیه کار کودکان و برای گرامیداشت اقبال مسیح به پیش برد. همان زمان در کانادا فعالان حزب کمونیست کارگری با وی مصاحبه ای در نشریه "کارگر امروز" آن دوره ترتیب دادند. از شرح حال کرگ بگذریم. ایشان خبرنگار چپ این "تعادل" شبکه تلویزیونی مزبور بود. کرگ با معترضان که در اعتراضات شرکت کرده بودند و از جمله تعدادی از کسانی که از زندان آزاد شده بودند، مصاحبه کرد و به نظر من تاثیر خوبی هم در انعکاس واقعی وضعیت هولناک زندانها و برخورد پولیس با تظاهرات کنندگان داد. بخش "راست" پوشش خبری را يك افسر بازنشسته پولیس پوشش می داد. او پیغام یکی از مخالفان تظاهرات کنندگان را قرائت کرد که می گفت:

"این معترضان بجای اینکه شهر را شلوغ کنند، بهتر است بروند کار کنند."

طنز مسأله هم همینجاست. ژان ژاک روسو در جایی می گوید به شاهدختی گفتند مردم گرسنه اند. بعدها معلوم شد که این شاهدخت همان مری آنتونت، همسر لوئی ۱۶، پادشاه فرانسه در انقلاب ۱۷۸۹ بود. جواب آن شاهدخت به مسأله گرسنگی مردم این بوده که "چرا گرسنگی می کشند، بروند کیک با شیر بخورند." تمام مسأله هم همینجاست. مردم اعتراض می کنند چرا که شغلشان را از دست داده اند؛ چرا که زندگی شان را همین مصوبات جی ۲۰ و جی ۸ تباه کرده است. گرسنه اند برای اینکه دیگر کیک و شیری در چننه ندارند! پولیس با تمام وحشیگری که فقط از پولیس سر می زند، با معترضان برخورد کرد. هیچکدام از معترضان کوچکترین توهمی به پولیس و پدیده پولیس نداشت. کسی نمی خواهد بی خود با باتوم و وحشیگری پولیس روبرو شود. شرایط وحشتناکی را که "تدابیر" سازمان بین المللی پول توسط دولتهای امروزی به زندگی انسانها تحمیل می کند، هر تورنتویی و غیرتورنتویی را به مبارزه دعوت می کند و این روبرویی را اجتناب ناپذیر می کند.

شیخ رادیکالیسم چه کسانی را رم داد؟

هر کسی که خود را پاره ای از تن نظم موجود می دانست رسماً علیه رادیکالیسم اعتراضات تورنتو ایستاد. شهردار تورنتو که شهرداری رادیکال نسبت به چند شهردار قبل از خود است، با آن زبان ذکر شده با تظاهرات کنندگان حرف زد. برخورد رؤسای اتحادیه ها برای کسی جایی برای شك و شبهه باقی نگذاشت که در کجای دنیای سیاست ایستاده اند. کن جورجیتی (Ken Georgetti)، رئیس "کنگره کار کانادا" در بیانیه ای گفته است که "کنگره کار کانادا از خرابکاری معترضان در اعتراضات ابراز انزجار می کند." سید رایان (sid ryan) رئیس "فداریون کار انتاریو" هم در اولین حرفی که در تلویزیون محلی زد، همین ابراز انزجار و محکوم کردن آن بود. شیخ رادیکالیسم همه را علیه خود متحد کرد: رئیس پولیس، شهردار، نخست وزیر کانادا، نخست وزیر استان انتاریو، رئیس فداریون کار و تعداد کمی از روزنامه نگاران محافظه کار هم. اما این شیخ جامعه را به تکان در آورد. تکانی همچون زلزله ۵ و نیم ریشتری که يك هفته پیش تورنتو را لرزاند.

آغاز دوره ای دیگر

گفتم که ۲۶ جون پایان يك دوره بود؛ دوره رخوت. اما دوره دیگری که شروع شده است، دوره ای است که سیستم سرمایه داری را به نبرد طلبیده است. این موضوع صرفاً با اعتراض به اجلاس جی ۲۰ و جی ۸ شروع نشد. حداقل در کانادا با تظاهرات روز ۲۸ جون شروع شد. تمام شرکت کنندگان در اجلاس جی ۲۰ و جی ۸ روز ۲۷ جون شهر را ترك کرده بودند. جو شهر اما همچنان در حال و هوای اعتراض بود. بیش از ۹۰۰ تن از رفقیمان را در شرایطی وحشتناک زندانی کرده بودند. صبح روز ۲۸ جون در سطحی وسیع خبر برداشتن قدمی دیگر برای آزادی آنها دهن به دهن و ایمیل به ایمیل شد. ساعت ۵ و نیم عصر هزاران نفر جلوی ستاد مرکزی پولیس شهر تجمع کردند. حدود ۱۰ هزار نفر در عرض چند ساعت از این موضوع خبردار شدند و خود را به این مرکز رساندند. شعارهای تندى علیه حکومت پولیسی و در محکومیت دستگیریهای سیاسی سر داده شد. هزاران پولیس خود را برای مقابله با این تظاهرات، که دیگر ظاهراً بهانه ای نداشت کسی را دستگیر کند، دست بر باتومها آماده بودند. جمعیت خشمگین خود را برای حمله به پولیس آماده کرده بود. سخنرانان یکی بعد از دیگری از ضرورت مقابله با حکومت پولیسی و دفاع از آزادیهای سیاسی تأکید کردند. هر کدام به نحوی بر ضرورت مبارزه علیه ریاضت و نظم موجود تأکید کردند و با شعارهای کوبنده و تأیید کننده تجمع کنندگان جواب مثبت گرفتند.

یکی از خبرنگاران شبکه رادیو و تلویزیون CBC در مصاحبه کوتاهی نظرم را از این اعتراضات پرسید. گفتم که اینجا هستیم و خواهان آزادی زندانیان سیاسی در کانادا هستیم. گفتم که شاهد محدود شدن حقوق مدنی و آزادی های سیاسی در چند سال گذشته بوده ایم. مردمی که شاهد کاهش قدرت خرید خود هستند، به این وضعیت اعتراض خواهند کرد. آزادی سیاسی چه موقعی قرار است آزاد باشد؟ در روزهای آفتابی؟ گفتم که به درد چنین روزهایی می خورد و وقتی که این نقض بشود، یعنی حکومت پولیسی و ما اینجا دقیقاً شاهد يك حکومت پولیسی هستیم که برای اعتراض به آن اینجا جمع شده ایم. با اشاره به اسم، پرسید کجائی هستیم. گفتم که زاده شده ایران؛ همانجائی که در عرض یکسال گذشته مبارزه ای سخت و میلیتانت علیه وضعیت غیرانسانی و علیه حکومت پولیسی در جریان بوده است. گفتم که جهان امروز وارد عرصه دیگری از مبارزه شده است و ابداً به مبارزه دفاعی نمی ماند!

جهان وارد تقابلات حاد دو قطب شده است

می گویم این حکایت عصر ماست. حکایتی مهم. با تمام رقص و پایکوبی که به راه انداخته بودند، معلوم بود که آمدن و رفتن شوروی پایان کار نیست؛ گرچه تئوریسین های سطحی تر رفتش را پایان تاریخ خواندند. يك مسأله ای که برای بسیاری از تحلیلگران مדיای رسمی جا نمی افتد این است که چرا دولت مرکزی کانادا تصمیم گرفت جلسه جی ۲۰ را در مرکز شهر تورنتو برگزار کند. شهر چندین ملیونی تورنتو از ۲۳ نماینده مجلس فدرال در چند دوره گذشته حتی يك نماینده از حزب محافظه کار به پارلمان نفرستاده است. چرا حزب محافظه کار این چنین از امن بودن فضای شهر در رابطه با طرح های خود اطمینان دارد؟ وقتی که کسی همه تکه های این معما را جلو خود می گذارد، به نظر می رسد که می خواهند "عصر ریاضت" خود را بدون پرده پوشی جلو ببرند. وقتی که رئیس بانک مرکزی کانادا استارت "عصر ریاضت" را می زند و این چنین اعلام هم می کند و می داند که این عصر بدون تقابل رادیکال از سر گذرانده نخواهد شد، بورژوازی خود را رسماً برای تقابل با اعتراضات آماده می کند. بورژوازی نمی تواند اعلام کند که می خواهد از هر طرف خدمات اجتماعی را بزند و سطح زندگی مردم را به دوره قرن ۱۹ برگرداند، اما انتظار مقابله به مثل نداشته باشد. اگر چنین اجلاسی را در اروپا شروع می کردند، با تقابلاتی که در یونان، ایتالیا و اسپانیا شروع شده است، دامن آن بسیار فراتر می رفت و چه بسا که از دستشان هم در می رفت. مجبورند که از موش آزمایشگاهی کانادا شروع کنند و عواقب آن را برای بعدها بسنجند. دوره حاد شدن تقابلات بین دو قطب طبقه کارگر و بورژوازی شروع شده است. باید به جوانب بیشتر این موضوع پرداخت و زوایای پوشیده آن را باز کرد. فعلاً آنچه را که کم داریم، احزاب قدرتمندی هستند که قطب طبقه کارگر را در کشورهای غربی نمایندگی کنند.

۳۰ ژوئن ۲۰۱۰